

## غزل شماره ۱۴۱

دید ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد  
چون بشد دلبر و بایار وفادار چه کرد

آه از آن زکسِ جادو که چه بازی انگیزت  
آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد

اشک من رنگِ شفق یافت ز بی مری یار  
طلع بی شفقت بین که در این کار چه کرد

برقی از مترلِ لیلی بدرخشید سحر

وَه که با خرمینِ مجنونِ دل انکار چه کرد

ساقیا جامِ می ام ده که گلانده غیب

نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد

آن که پُر نقش زد این دایره مینایی

کس ندانست که در گردشِ پرگار چه کرد

فکرِ عشقِ آتشِ غم در دلِ حافظ ز دو سوخت

یارِ دیرینه بینید که با یار چه کرد

## تفسیر فال

با کوچکترین اتفاقی که در زندگی شما رخ می‌دهد، احساس می‌کنید که دنیا به پایان رسیده است و به شدت دچار غم و اندوه می‌شوید. این واکنش طبیعی به چالش‌ها و مشکلات زندگی است، اما باید بدانید که خداوند هر آنچه را که برای شما مقدر کرده باشد، در نهایت همان خواهد شد. به عبارت دیگر، هیچ چیز نمی‌تواند سرنوشت شما را تغییر دهد مگر آنچه که از سوی او مقرر شده است. بنابراین بهتر است خودتان نیز در پی حل مسائل باشید و از یار قدیم خود، یعنی دوستان یا خانواده‌تان کمک بگیرید. این افراد می‌توانند با حمایت‌های عاطفی و مشاوره‌های ارزشمندشان در کنار شما باشند. در نهایت، مهم‌ترین نکته این است که بپذیرید تمامی حوادث زندگی نتیجه خواست خداوند هستند و باید با صبر و شکیبایی به مسیر خود ادامه دهید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)